

ضرورت توجه به امنیت اقتصادی زنان

آذر 17، 1394

امنیت روانی و امنیت جسمی دو بعد اساسی امنیت افراد را تشکیل **×** می‌دهند و سایر ابعاد امنیت به نحوی در راستای تأمین و اثرگذاری نهایی بر این دو بعد هستند. عدم وجود امنیت اقتصادی، سایر ابعاد امنیت همچون امنیت روانی، جسمی، اخلاقی، عاطفی و... در زندگی افراد تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه کسب آسایش و آرامش را که اصلی‌ترین نیاز افراد در زندگی است؛ به مخاطره می‌اندازد.

هرچند اصطلاح «امنیت اقتصادی» به عنوان یکی از اجزاء امنیت ملی، دارای معنایی مشخص در حوزه موضوعات اقتصادی- اجتماعی است، لیکن با گسترده‌تر نمودن معنای امنیت اقتصادی به سطح «مسائل اقتصادی زنان در خانواده» می‌توان به مفهوم جدیدی از امنیت اقتصادی رسید که بررسی آثار و تبعات گسترده آن در سبک زندگی زنان، توجه به این حوزه را ضروری می‌نماید.

بررسی مفهوم امنیت و ابعاد آن

امنیت به مفهوم کلی آزادی و رهایی از ترس و خطر؛ و احساس ایمنی از هر گونه تهدید به عنوان بستر کسب آسایش و آرامش جسمی و روحی است و جزء اصلی‌ترین نیازهای اساسی بشر محسوب می‌شود.

البته تعاریف دیگری نیز از امنیت ارائه شده است؛ همچون در امان بودن و آرامش و آسودگی، اطمینان و آرامش خاطر، و در فرهنگ «وبستر» به معنی آزاد بودن از شک و ابهام؛ اطمینان داشتن و اعتماد داشتن آمده است. لیکن به نظر می‌رسد امنیت بیش از آنکه مقوله قابل تعریفی باشد، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است، که فرد در پرتو آن می‌تواند به اهداف و برنامه‌های خود در زندگی بپردازد.

هر یک از اندیشمندان بنا به حوزه تخصصی خود ابعاد را برای حوزه امنیت در نظر گرفته‌اند که می‌توان به برخی اشاره نمود:

* امنیت اقتصادی و معیشتی

* امنیت حقوقی و قضایی

* امنیت نظامی و امنیتی

* امنیت اجتماعی

* امنیت اخلاقی

* امنیت عاطفی و خانوادگی

* امنیت سیاسی

* امنیت بهداشتی و سلامت

* امنیت آموزشی

* امنیت فرهنگی

* امنیت زیست‌محیطی

تمام این ابعاد امنیت، ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و گاهی عدم توجه و غفلت از برخی ابعاد، تأمین امنیت در سایر ابعاد را به مخاطره می‌اندازد. در این راستا نیازهای مالی و معیشتی و مسائل مرتبط با آن که همواره جزء اصلی‌ترین دغدغه‌های مردم محسوب می‌شود اثرگذاری مستقیم یا غیرمستقیم گسترده‌ای بر سایر ابعاد امنیت به ویژه امنیت اجتماعی و اخلاقی خواهد داشت. این موضوع در زندگی زنان دارای اهمیت دوچندان است چرا که به دلیل ویژگی‌های جسمی و روحی خود طبیعتاً بیشتر از مردان در معرض انواع آسیب‌ها و مخاطرات محیطی بوده و نیاز به پشتیبانی و حمایت‌های خانوادگی و دولتی دارند.

جایگاه امنیت اقتصادی در سبک زندگی زنان:

امروزه اصطلاح «امنیت اقتصادی» به دو معنا استفاده می‌شود:

الف: «امنیت اقتصادی» به همان معنای عمومی که غالباً در ادبیات علم اقتصاد بکار برده می‌شود و مراد از آن ایجاد فضای امن برای حفظ و رشد ثروت، دارایی‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و هرگونه کسب‌وکار یا فعالیت اقتصادی افراد در فضای اقتصادی جامعه است. در این معنا این حق تمام افراد (اعم از زن یا مرد) است که بتواند در حیطه قوانین آن کشور به صورت آزادانه و بدون هرگونه تحدید یا مخاطره‌ای به فعالیت اقتصادی بپردازد. در این معنا، «امنیت اقتصادی»، وضعیت باثباتی از شرایط و ساختار فعلی و افق معلوم و روشنی از آینده

است که در آن زنان و مردان احساس رهایی از خطر کرده و به‌طور بهینه می‌توانند به تولید، توزیع و مصرف ثروت بپردازند.

ب: «امنیت اقتصادی» به معنای خاص آن برای زنان همان آرامش و امنیت روانی فرد از وجود پشتوانه‌ای اقتصادی است در جهت رفع دغدغه نیازهای مالی‌اش در طول دوران زندگی که باعث دلگرمی، آسایش خیال، ذوق و شوق فرد به کار و کوشش، فعالیت و امید به آینده می‌شود.

با توجه به این معنا، «امنیت اقتصادی» را می‌توان به دو جزء تقسیم نمود:

(۱) امنیت اقتصادی کوتاه مدت

منظور احساس آسودگی و اطمینانی است که فرد در رابطه با تأمین نیازهای روزمره خود مانند نیازهای غذایی لازم برای صحت جسمی، نیاز به تأمین سرپناه و مسکن، نیاز به پوشاک مناسب، نیاز به لوازم بهداشتی و سلامت، نیاز به تفریح و گذراندن اوقات فراغت، نیاز به علم و آموزش و هرگونه نیازهای دیگری که مربوط به رفاه عمومی اوست

(۲) امنیت اقتصادی بلندمدت:

منظور احساس آسودگی و اطمینانی است که فرد نه در رابطه با نیازهای زمان حال بلکه در رابطه با نیازهایی است که در دورنمای ذهنی فرد از آینده وضعیت اقتصادی خود ترسیم می‌کند مانند نیازهای معیشتی و وضعیت رفاهی فرد در دوران کهنسالی یا فقدان همسر (به دلیل فوت و یا جدایی)

وضعیتی که در آن فرد بتواند بدون نگرانی از خطرات محیطی، اطمینان از برنامه‌ریزی بلندمدت برای معیشت خود داشته باشند

هرگونه نقصی در تأمین هر یک از این اجزاء امنیت اقتصادی در زندگی زنان و یا نبود الگویی اطمینان‌بخش در این زمینه، سبب خواهد شد که زنان احساس امنیت برای تأمین نیازهای اقتصادی خود را از دست داده و خود به دنبال راهی در جهت تأمین آن به واسطه کسب شغلی صرفاً درآمدزا باشند (در مقابل مشاغل متناسب با شأن و روحیات زنانه که موجب رشد و کمالشان شده و در راستای ایفای نقش مؤثر در جامعه باشد)

که خود تبعات گسترده‌ای در سایر ابعاد و شئون زندگی آنها و در نتیجه کارکرد خانواده و اجتماع خواهد داشت:

به عنوان مثال زنی که اطمینان لازم برای رفع نیازهای روزمره زندگی‌اش توسط همسر حاصل نشده و یا نیاز او به خوراک و پوشاک و مسکن و ... به صورت کریمانه همراه با عزت و احترام و بخشندگی برای او در خانواده رفع نشود؛ یا زنی که اطمینان و آسودگی از وضعیت اقتصادی خود در آینده ندارد؛ مجبور خواهد بود به دنبال تأمین امنیت مالی خود به جامعه مراجعه کند درحالی‌که تنها هدف او کسب درآمد است و لذا معمولاً (و بنا به میزان نیاز او) به هر کاری تن خواهد داد بدون آنکه به کرامت، عزت و نیاز خود به سایر ابعاد امنیت توجه کند.

در ادامه به برخی از گزینه‌های شغلی و تبعات آن در چنین شرایطی که زنان در قبال کم‌ترین درآمد به آن تن می‌دهند، می‌پردازیم :

* مشاغلی که ممکن است هیچ سنخیتی با وضعیت جسمی و روحی زنانه نداشته باشد و به سرعت موجب فرسودگی جسمی و روحی زن شود یا همراه با مخاطرات اخلاقی باشد. چنین زنی دیگر نخواهد توانست نقش‌های همسری و مادری خود را که نیاز به تقویت زنانگی دارد به خوبی ایفا کند و خانواده‌ای بی‌ثبات خواهد داشت (مانند رانندگی ماشین‌های سنگین در جاده و یا تعمیر کاری و یا کار در برخی کارگاه‌های صنعتی و ...)

* برخی مشاغلی که در ذات خود ذلت و فرودستی زن در مقابل مردان کارفرما را به همراه دارد و با اندک حقوقی به دنبال بهره‌کشی از جسم و روح زن زبردست خود هستند. این امر موجب کم‌رنگ شدن جایگاه متکبرانه زن در مقابل مردان در جامعه، بدلیل وجود نیاز مالی خواهد شد و به دنبال آن امنیت اخلاقی زنان به مخاطره خواهد افتاد درحالی‌که فرصت و امکان رشد علمی و معرفتی مناسب برای آنان نیز هرگز در این مشاغل وجود نخواهد داشت. (مانند منشی‌گری زن یا کار در برخی کارگاه‌ها یا شرکت‌های خصوصی با کارفرمایان مرد یا خدمتکاری و پرستاری در خانه‌ها و ...)

* مشاغلی که لازمه فعالیت در آن ارتباط نزدیک و مستمر با مردان نامحرم است پدیده‌ای که اغلب مشاغل کنونی در جامعه را دربر می‌گیرد و زنان و مردان نامحرم ساعات زیادی را در کنار یکدیگر به عنوان همکار و در فضای صمیمی و همراه با شوخی طی می‌کنند و زمانی که به خانه برمی‌گردند به دلیل خستگی و ارضاء عاطفی در محل کار دیگر همان روحیه را با همسر و اعضای خانواده خود ندارد و این شروع انواع بحران‌های عاطفی، اخلاقی و اجتماعی در خانواده و اجتماع

خواهد بود.

*مشاغلی مانند انواع بازاریابی، فروشندگی و مهمانداری هتل و هواپیما و ... که از جاذبه‌های ظاهری و کلامی زنان برای جذب مخاطب استفاده می‌کنند و لازمه آن برخورد جذاب و فروتنانه زنان با مردان نامحرم است در ازای سطح دستمزد اندک چنین مشاغلی در مقابل چنین وضعیتی، زنانی را خواهیم داشت که با تکیه و پشتوانه امنیت تأمین‌شده مالی در خانواده و بدون دغدغه مالی به دنبال ایفای نقش واقعاً موثر در خانواده و اجتماع خواهند بود به نحوی که خود جامعه به تخصص او نیاز داشته باشد. در چنین شرایطی زنان ابتدا به کسب دانش و مهارت‌های لازم و در راستای ظرفیت‌ها و استعداد‌های شخصی و زنانه خود می‌پردازند و بدین وسیله دارای مزیت نسبی برای احراز مشاغلی خواهند شد که نه تنها دارای شأن اجتماعی مناسبی خواهد بود بلکه میزان درآمد آن نیز بیشتر خواهد بود.

از سوی دیگر توانمندی‌ها و سطح علمی و مهارتی بالا به او اجازه خواهد داد از جایگاه عزتمند و متکبرانه با سایر مردان در اجتماع مواجه شود. همچنین امکان ارائه تسهیلاتی همچون انعطاف در ساعات کاری، دور کاری، مرخصی‌ها، نگهداری از فرزندان، تغییرات ساختاری متناسب با ویژگی‌های زنانه برای چنین زنانی به مراتب بیشتر خواهد بود چون این جامعه است که به او نیاز دارد و لذا بسیاری از مشکلات و تبعات ناشی از خستگی و فرسودگی کار تمام وقت با ساختارهای خشک اداری که نشاط و استحکام خانواده را به مخاطره می‌اندازد، از میان می‌رود.

دخت ایران